

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

س. رها
۱۳ جولای ۲۰۱۳

یتیمان به دور کاسه داغ شوربای اربابان چرخ می زنند

شب گذشته زمانی که مشغول جست و جو در کانال های تلویزیون بودم ناگهان با کانالی به نام "نورین" سرخوردم که شکر خدا عجب کانالی بود و عجب نطایقی داشت، دلم می تپد برای باز شنیدن فرموده های نطق آن که یک بیانیه ای از "حزب ائتلاف تغییر و امید- ائتلاف ملی" را به شنود بینندگان می رساند، گذشته از این که واقعاً قد و قامت آن نطایق خیلی دل پذیر بود و به یک معتاد زیر پل سوخته بیشتر شبیه بود تا یک مجری برنامه تلویزیونی، نطق یا همان بیانیه ای را که می خواند نیز شباهت عجیبی با آذان مسجد "بابه قره قولی" داشت که در بازار کهنه ولایت بامیان وجود داشته و مؤذنی دارد که افتخار!! عضویت در "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" را دارا می باشد و هر از گاهی جملات سر منبر خود را نیز از "تنوری های" ببرک کارمل به عاریت گرفته و "کور، کالی، دودی" را از منظر "قرآن" به تحلیل می گیرد- سال گذشته زمانی که برای ده روز به تعقیب اجرای یک مسؤولیت به ولایت شریف بامیان رفته بودم، گوش هایم آزرده از آذان و کلمات افتضاح و مبتذل آن مؤذن شد که ساعت سه بجه صبح به "عر عر" کردن شروع می کرد. مؤذن (در این جا منظور از مؤذن، همان نطایق تلویزیون می باشد) زمانی که با کشیدن آه سرد هر لحظه، به بیان نطق می پرداخت، رنگ و رقمش "چهل قات" شده و مثل کسانی که دچار اسهال شدیدی شده باشد، به پشت و پهلو می زد تا این که خوشبختانه بیانیه به آخر رسید. موضوع بیانیه:

"حزب ائتلاف تغییر و امید" و در رأس آن "داکتر عبدالله" به یخن پارگی پرداخته بود:

"در این اواخر رفتار کرزی (ناگفته نماند که جناب عالی خود را با کرزی اپوزیسیون می خواند) با امریکائی ها به کلی تغییر کرده و شیوه خشنی را در برخورد خود با کاخ سفید درپیش گرفته است و این ضربه سنگین به ملت افغانستان است، ما از این کارهائی کرزی سر در نمی آوریم ولی مشکوک ایم که نکند واقعاً کرزی از امریکا بخواهد که نیروهایش را از افغانستان بیرون کند، در صورتی که این گمانه زنی ما حقیقت از آب در بیاید، آنوقت است که خاک بر سر ملت می ریزد و درضمن، همین رفتارهای بچگانه کرزی بود که دفتر طالبان در قطر بسته شد و راه مذاکره با آنها نیز مسدود شد، کرزی نیت خدمت به مردم را ندارد به همین خاطر او به فعالیت های بس ارزنده و پایدار "شورای عالی صلح" ارج قائل نمی شود و همه را رد می کند، کرزی یک فرد مستقل نیست بلکه وابسته به بیگانگان می باشد..."

منطقاً اگر سنگ و کلوخ افغانستان امکان این را می داشت که حرف بزنند، باشنیدن این یاهو سرانی های "داکتر عبدالله" و هم پالگان شریفش!! که همگی یکجا با همان به اصطلاح "اپوزیسیون" و "اپوزیسیون" سر در یک آخور داشته و از یک منبع تر و خشک می شوند، در آغاز از خنده "جگر درد" می شد و به دنبال آن، می فهمیدند که این مزدوران، حلقه

برگوشان و جارچیان منافع ارباب امپریالیستی شان، مشغول به بازی گرفتن سرنوشت شان بوده و بی شرمانه ناراحتی های درحد زن وشوهری خودرا که ناشی از کم اهمیت شدن یکی و جان و جگر شدن دیگری در پیش اربابان شان می باشد، به سرنوشت کلی ملت تعمیم داده و آن را خاک ریختن برسر ملت می نامند ولی نمی خواهند این را قبول کنند که: شماهستید، همگی تان اعم از کرزی، جبهه ائتلاف، شورای عالی صلح و... سگان پاسبان منافع ارباب، که با این همه جنایت، خیانت و مزدوری تان خاک برسر ملت ریختید و بی شرمانه به دفاع از آن برخاستید نه تنها کرزی، امروز حتا اگر با انداختن تمام گناهها برسر کرزی بتوانید خود را تبرئه کنید- که امکان ندارد وبدون شک سینه وسیع و بی رحم تاریخ این دوران های سیاه را درخود بدون تحریفات، نهفته دارد- آیا در آن زمان هائی که کرزی نبود ولی شما با چنگ و دندان درطی بیش از دو ونیم دهه مشغول مکیدن خون ملت بودید، گناهان آن همه جنایت و خون آشامی تان را به گردن کی ها خواهید آویخت؟ لابد باید بگوئید که، قسمت همان بود و باید همان می شد و درنهایت با انداختن گناهان تان به گردن فلک، خود هارا تبرئه کنید ولی این برانت جوئی ها همان قدر کوشش احمقانه و امکان ناپذیر است که کتمان جنایات تان.

سیاست عمومی امپریالیستان درقبال مزدوران به خدمت گرفته شان این است: تازمانی که هر مزدورشان بتواند در راه تأمین منافع اربابش مفید واقع شده و قابل استفاده باشد یعنی دربازار مزدوری چلند داشته باشد، امپریالیسم تحت هر شرایطی آنها را به کار گرفته واز هیچ مرحمت خود اوشان را بی نصیب نمی سازد ولی به محض این که یک مزدور کارآمدی خود را از دست داد و به علاوه، نگهداشتن همچون مزدور هائی برای اربابان امپریالیستی شان یک بار اضافی و درتقابل با دیگر مزدورانش قرار گرفت، بلافاصله آن را طرد نموده وکسانی دیگری را درخدمت می گیرد. اعصاب خرابی عبدالله نیز امروز از همین جا نشأت می کند ولی به ناحق گپ را به دیگر سوی می کشاند درحالی که درد از جائی دیگر است، حقیقتاً حسادت ورزی عبدالله با کرزی در اینجا است که چرا کرزی نسبت به او در پیش امریکا، امتیاز بیشتری را از آن خود می کند و امریکا به او کمتر اهمیت می دهد. مزدوری کرزی، درپیش عبدالله ایزاری شده است تا قرارداد دوباره مزدوری خودش امضاء شده و تداوم پیدا کند.

این خنده آور است که "دیگ دان به دیگ بگوید: نزدیک من نیا که سیاه هستی و مرا سیاه می کنی"، جنایت کرزی با عبدالله بعد از به اشغال درآمدن افغانستان توسط امریکا، تفاوت چندانی ندارد واز طرف دیگر، این آنها نیستند که چگونگی وابستگی و مزدوری شان را تعیین کنند بلکه امریکا هستند که طبق منافعش هرکدام را طبق کاربرد شان در زمینه های مختلف به نوکری گرفته و به اندازه مفید بودن شان، به آنها امتیاز می دهد و نیز هم چنان که یاد آوردیم عبدالله حتا اگر درطی این دوازده سال، جنایت و خیانت کمتری را نسبت به کرزی مرتکب شده باشد ولی کی است که جنایت های بی شماری عبدالله را- قیل از این دوران - بر رویش پرده ساتر کشیده واز چهره مزدور و سگ صفتی مثل عبدالله یک فرشته معصوم بسازد، غیر از خودش؟

آقای عبدالله!

درنهایت، هیچ کدام تان درخور بخشیش نبوده و مردم ما میگویند:

کرزی، عبدالله، قانونی، سیاف، مجددی، خلیلی، محقق، عطامحمد نور، لطیف پDRAM و... همگی شما دشمنان ما هستید و باید به سزای اعمال خود برسید و این که هر روز بایک نقاب جدید در صحنه ظاهر می شوید جز این که به جرایم تان بیفزائید قادر به تبرئه شما نخواهد بود.